

بررسی زندگی و آثار شیخ شهاب‌الدین فضل‌الله توران‌پشتی

سید محمد منصور طباطبایی بهبهانی^۱
استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران
حامد اسدی

دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران
(از ص ۳۳ تا ص ۴۴)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۹/۳۰؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۱۱/۱۵

چکیده

شیخ شهاب‌الدین ابوعبدالله فضل‌الله توران‌پشتی از محدثین و فقهای قرن هفتم هجری است. وی منسوب به توران‌پشت از روستاهای استان یزد است. از ابتدای زندگیش اطلاعات زیادی در دست نیست. وی ابتدا در شیراز و در سایه آتابکان فارس می‌زیست و در نهایت به درخواست ترکان خاتون بر مسند تدریس در مدرسه ترکانی کرمان نشست. در این مقاله با تکیه بر منابع فارسی و عربی، مراحل مختلف زندگی و تحصیل، رابطه با قدرت و گرایش‌های اعتقادی وی مورد بحث قرار می‌گیرد و در پایان آثار وی بررسی و نسخه‌شناسی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تاریخ ادبیات، نسخه‌شناسی، آتابکان فارس، قراختائیان کرمان، شهاب‌الدین فضل‌الله، توران‌پشتی

mansoor@ut.ac.ir

۱. رایانامه نویسنده مسئول:

با سپاس فراوان از راهنمایی‌های دو دوست عزیز، آرش سری و مجید رشیدیان.

۱. مقدمه

سرزمین ایران در طول تاریخ چند هزارساله خود دانشمندان بی‌شماری به خود دیده است که متأسفانه بعضی از ایشان به فراموشی سپرده شده‌اند یا در تاریکی تاریخ کمتر دیده شده‌اند. پژوهش پیرامون حیات و آثار این عالمان اهمیت بسیاری دارد، چراکه حلقه‌های گمشده تاریخ و سیر تکاملی علوم در ایران را برای ما روشن‌تر می‌سازد. این مسأله به‌ویژه در دوران حمله مغول اهمیت خود را نشان می‌دهد؛ دورانی که در آن مدارس و کتابخانه‌های ما را سوزاندند و دانشمندانمان را آواره کردند و موجب کساد بازار علم شدند. بنابراین، شناخت هرچه تمام‌تر علمای این دوره، که در آن اوضاع آشفته میراث‌دار نیاکان بودند و برای روشن نگه‌داشتن چراغ دانش می‌کوشیدند، اهمیت دوچندان دارد. شیخ فضل‌الله توران‌پشتی نیز از جمله عالمانی است که در این دوره پرآشوب زندگی می‌کرده است.

در مورد پیشینه این تحقیق باید گفت که علامه قزوینی در تعلیقات *شذالانوار*، عبدالحمید هنداوی در مقدمه *تصحیح المیسر*، لیلی کریمیان در *دانشنامه جهان اسلام* و اسماعیل شמושکی در مقدمه پایان‌نامه خود (*تصحیح المعتمد*) شرح حالی از توران‌پشتی ارائه کرده‌اند که ما از آنها استفاده کرده‌ایم و علاوه بر آن با استفاده از دیگر منابع فارسی و عربی کوشیده‌ایم تصویری جامع‌تر و اطلاعاتی جدیدتر از زندگانی او به دست دهیم.

۲. زندگی‌نامه

شیخ شهاب‌الدین ابوعبدالله فضل‌الله بن ابوسعید، حسن بن حسین بن یوسف توران‌پشتی^۱ فقیه، محدث و از علمای بزرگ اهل سنت در قرن هفتم هجری است. او منسوب به روستای توران‌پشت است که در استان یزد و در ۵۴ کیلومتری جنوب غربی شهر تفت قرار دارد (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان یزد، ۲/۱۳۸۱: ۵۰). توران‌پشت، که در تلفظ عامه آن را تورون‌پشت می‌خوانند، از آبادی‌های بسیار کهن و معتبر شهر یزد است که بر روی تپه‌ها و پادامن کوه سنگی قرار گرفته است.^۲ نسبت او در منابع عربی بیشتر به صورت التوربشتی و گاهی نیز التربشتی و الترابشتی آمده است.

متأسفانه از سال تولد توران‌پشتی گزارشی در تاریخ نیافتیم و دوران ابتدایی زندگی‌اش زیاد روشن نیست. او مراحل تحصیل را ابتدا نزد پدرش سپری کرد، چراکه وی نیز از

عالمان دینی بود و توران‌پشتی در کتابش از او روایت نقل می‌کند (توران‌پشتی، ۱۴۲۹: ۱۱۲). او سپس در بغداد به فراگیری علوم پرداخت. در مشیخه قزوینی آمده است که وی از شیخ رشیدالدین ابی‌عبدالله محمد بن ابی‌القاسم المقرئ، که از مدرسان بغداد بود، اجازه روایت گرفت (ابوحفص عمر القزوینی، ۱۴۲۶: ۵۵۴).

توران‌پشتی، که از معاصران سعدی بود، ابتدا در شیراز و در سایه اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی (۶۲۳-۶۵۸ ق) می‌زیست، چراکه اتابکان فارس در دوره آشوب مغول با سیاست‌های خود شیراز را در امان نگاه داشته بودند و از دانشمندان و فاضلان عصر به گرمی استقبال می‌نمودند. اما در سال ۶۵۶ هجری به دعوت ترکان خاتون (۶۵۵-۶۸۱ ه. ق)، از فرمانروایان سلسله قراختائیان کرمان،^۳ شیراز را به قصد کرمان ترک کرد و به تدریس در مدرسه ترکانی، که ترکان خاتون آن را در همان سال بنا نهاده بود مشغول شد. در *مجمعل فصیحی*، ذیل حوادث سنه ست و خمسين و ستمائة (۶۵۶) آمده است: «طلب داشتن قتلغ ترکان شیخ‌المحدثین شهاب الملة و الدین فضل‌الله [بن حسن] التوران‌پشتی جهت تدریس مدرسه ترکانی از شیراز به کرمان» (خوافی، ۱۳۸۶: ۸۱۰). در *سمط‌العلی* در رابطه با همین مسأله آمده است:

مولانا شیخ‌الشیوخ، محیی مراسم سنت و جماعت، ماحی صور هوی و بدعت، استاد و پیشوای اهل حدیث و تفسیر، و مقتدی و سردفتر اصحاب وعظ و تذکیر، قطب‌الاولیاء فی زمانه، الفایق علی صناید الدهر بعظمة شأنه و علو مکانه

شهاب چرخ شریعت که هست خاکستر ز تاب نور ضمیرش نفوس شیطانی

شهاب الدین فضل‌الله التوران‌پشتی را، قدس الله نفسه و روح رمسه، خود [منظور ترکان خاتون است] استغلاب فرمود و به حضور مبارکش تبرک و تیمن نمود و مراسم حسن ارادت و فرایض اظهار صفاء عقیدت و نوافل تقدیم لوازم مبرات و خدمت، مقدم متبرک آن صاحب برید ملک ولایت و شهیبت قصیده ارباب کرامت را تقدیم کرد. (ناصرالدین منشی کرمانی، ۱۳۲۸: ۴۱-۴۲)

همچنین در تاریخ شاهی قراختائیان آمده است:

چون کار مدرسه مقدسه به اتمام کشیده بود و محصلان متفقه را از خوان احسان او [منظور ترکان خاتون است] وجه بلعت به فم معده رسیده و مدرسان را در مدرسه مقدسه اجلاس فرموده، صفه‌ای [که] در گنبد مرقد خود بر مولانا عز الملة و الدین مقرر بود- صفه‌ای خسروانی- که باغچه در پیشان آن است به مولانا امام بارع تاج الملة و الدین السیدی الزوزنی حواله فرمود و صفه جنوبی که کتابخانه در پیشان آن است به امام عالم، ملک‌المناظرین، نجم الدین عمرالکرمانی داد، که کرمانیان او را نجم طحان می‌گفتند، و در این وقت امام ربانی و شیخ روحانی شیخ‌الشیوخ الاسلام شهاب‌الملة والدین فضل‌الله التوره‌پشتی، که

خلیفه بحق شیخ مطلق شهاب الحق و الدین السهروردی بود با جماعت فرزندان مقام و موطن باز کرمان آورده بود و بر منبر مدرسه مقدسه تذکرها فضل‌آمیز و وعظها وجدانگیز می‌فرمود (تاریخ شاهی: ۱۷۷).

اگرچه با وجود چنین شواهد واضح است که توران‌پشتی برای تدریس و به دعوت ترکان خاتون شیراز را ترک کرده و به کرمان رفته، اما شاید او برای ترک شیراز دلیل دیگری نیز داشته است و آن خشم ابوبکر زنگی بوده باشد از وی، چنان که در تاریخ وصاف می‌خوانیم:

و امام علام شهاب‌الدین توده‌پشتی^۴ و مولانا عزالدین ابراهیم قیسی که قیسی‌الحلم و قسی‌العلم بود و در افانین علوم وحید عصر و فرید دهر و علامه روزگار و اعجوبه ادوار هم بدین مقدمات با صد تهدید تبعید فرمود و باعث او بر انکار این طایفه اشفاق او بود بر مال و ملک که مبادا به قوت رویت و درایت یکی را بر اسرار آن وقوف افتد و خللی سرایت کند و چون باری تعالی ملک او را عن‌قریب زوال مقدر کرده بود، آن همه عزم و حزم و رای جزم فایده‌ای نداد (فضل الله شیرازی: ۱۵۹).

و ظاهراً همزمان شدن تهدید ابوبکر زنگی و احساس خطر توران‌پشتی با دعوت ترکان خاتون از وی جهت تدریس در مدرسه ترکانیه موجب استقبال وی از آن دعوت شد. توران‌پشتی گویا سفری نیز به مکه داشته است، چراکه در کتاب تاریخ مکه المشرفه به آن اشاره شده است، اما معلوم نیست در چه دوره‌ای از زندگیش:

«قَالَ التُّورِبَشْتِيُّ فِي شَرْحِ الْمَصَابِيحِ : وَلَقَدْ شَاهَدْتُ مِنْ كَرَامَةِ الْبَيْتِ الْمُبَارَكِ أَيَّامَ مَجَاوِرَتِي بِمَكَّةَ أَنَّ الطَّيْرَ كَانَ لَا يَمُرُ فَوْقَهُ...»

توربشتی در شرح المصابیح می‌گوید: از کرامات خانه مبارک در ایام مجاورتم در مکه دیدم که پرنده‌ای بر آن نمی‌پرد... (ابن ضیاء، ۱۴۲۴: ۱۶۷).

ما این نکته را در نسخه چاپی المیسر فی شرح المصابیح نیافتیم، اما نکته‌ای یافتیم که سفر او به مدینه را تایید می‌کند. او در شرح حدیثی از پیامبر (ص) در مذمت سوگند دروغ می‌نویسد: «وَقَدْ وَجَدْتُ الْقَاضِيَّ بِالْمَدِينَةِ -عَظَّمَ اللَّهُ حَرَمَهَا وَ عَلِيَّ سَاكِنَهَا الصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ- يَحْكُمُ عِنْدَ الْمَنْبَرِ، فَذَكَرَ فِي الْحَدِيثِ عَلِيَّ مَا كَانَ...» (توران‌پشتی، ۳/۱۴۲۹: ۱۸۹).

او گویا سفری نیز به همدان داشته است و در آنجا حدیث شنیده است: «... وَ سَمِعْتُ بَعْضَ أَصْحَابِ الْحَدِيثِ بِهَمْدَانَ» یقول: ... (توران‌پشتی، ۴/۱۴۲۹: ۱۲۶۹).

۴. فرزندان شیخ

توران پشته سه پسر داشت به نام‌های تاج‌الدین عبدالله، که از ملازمان سلطان جلال‌الدین سیورغتمش بود که «بعد از شرف منادمت، طبیب فرخ‌دم و قدم پیشگاه سلطنت شد». (منشی کرمانی، ۱۳۲۸: ۶۵). دیگری مجدالدین عبدالرحمن که فسیح خوافی او را متوفی ۷۳۱ در کرمان می‌داند (خوافی، ۲/۱۳۶۸: ۹۰۹) وی از بزرگان زمان خویش بود و ناصرالدین منشی کرمانی، نویسنده *سمط‌العلی* درباره او می‌سراید:

مرکب زهد و خیل ملک پیش رکاب خاتم فضل و را ملک سخن زیر نگین
 آسمانست علو سخنش را مسکن و آفتابست زکات هنرش را مسکین (سمط‌العلی، ۱۳۲۸: ۶۵)

و دیگر صدرالدین عبدالعزیز. توران پشته دختری نیز داشت که با شهاب‌الدین عبدالعزیز پسر محمود بن محمد زوزنی (م ۶۶۶ ه. ق) ازدواج کرد. جدول زیر، که عباس اقبال در *تعلیقات سمط‌العلی* (منشی کرمانی، ۱۳۲۸: ۱۲۱) آورده است، اولاد و نوادگان توران پشته را نشان می‌دهد:



۵. مذهب فقهی

در مورد مذهب فقهی او اختلافاتی در منابع دیده می‌شود. سبکی نام او را در *طبقات الشافعیة* (۸/۱۴۱۳: ۳۴۹) می‌آورد، اما در *مشيخة قزوینی* (ابوحفص قزوینی، ۱۴۲۶: ۵۵۴)، *کشف‌الظنون* (حاجی خلیفه، ۲/۱۹۴۱: ۱۶۹۸)، *الاعلام زرکلی* (زرکلی، ۵/۲۰۰۲: ۱۵۲) و *معجم*

المؤلفین کحاله (کحاله، ۸: ۷۳) نام او به عنوان فقیه‌ی حنفی آمده است. توران‌پشتی در جاهایی از کتاب المیسر (۱۴۲۹: ۹۱۵-۹۱۶) از ابوحنیفه و نحوه استدلال او و اصحابش سخن می‌گوید و حتی آن را نقد می‌کند. به نظر عبدالحمید هنداوی (توران‌پشتی، ۱۴۲۹: ۲۶) ممکن است او در دوره‌ای از حیات خویش حنفی و در دوره‌ای دیگر شافعی بوده است، یعنی با توجه به اینکه المیسر به ظاهر آخرین کتاب اوست، ابتدا حنفی بوده، سپس مذهب شافعی را اختیار کرده است.

۶ گرایش به تصوف

از بررسی منابع چنین برمی‌آید که توران‌پشتی با وجود اینکه فقیه بوده و اهل حدیث، گرایش به زهد و تصوف نیز داشته، تصوفی در چارچوب سنت، چنانکه در کتابش، در شرح حدیثی از پیامبر(ص) با بزرگی از صوفیان یاد می‌کند:

و هذا تأویل سلکت فیه مسلک علمائنا من الصوفیه قدس الله ارواحهم: و این تأویلی است مطابق شیوه علمای صوفی ما که خداوند ارواحشان را پاک و مبارک گرداند (توران‌پشتی، ۱۴۲۹: ۴/۱۲۳۵).

شایان ذکر است که در بین آثار شیخ کتابی نیز به نام تحفة السالکین در تصوف وجود دارد که ذکر آن خواهد آمد.

همچنین گویا وی چندی نیز در حلقه مریدان شیخ شهاب‌الدین ابوحفص عمر بن محمد سهروردی (۵۳۹-۶۳۲ ق)، عارف مشهور، بوده است. چنان که دیدیم مؤلف تاریخ شاهی در حق وی می‌گوید:

امام ربانی و شیخ روحانی، شیخ‌الشیوخ الاسلام، شهاب‌الملة و الدین فضل‌الله التوره‌پشتی که خلیفه به حق شیخ مطلق شهاب‌الحق والدین السهروردی بود... (۲۵۳۵: ۱۷۷).

همچنین در الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، ذیل معرفی عبدالرحیم بن عبدالکریم شیرازی، سخن از خرقه‌پوشی وی رفته است و مؤلف کتاب خرقه عبدالرحیم شیرازی را با ذکر سند به سهروردی می‌رساند. در این سند نام فضل‌الله توران‌پشتی و پسرش مجدالدین نیز وجود دارد:

لبسها من النور محمد بن عبدالله الكرمانی عن المجد بن الشهاب فضل‌الله التورپشتی عن والده عن السهروردی (شمس‌الدین السخاوی / ۴: ۱۸۱)

همچنین در تذكرة الاولیاء محرابی کرمانی یا مزارات کرمان آمده است که شهاب‌الدین سهروردی چهل مرید با نام شیخ شهاب‌الدین داشته است:

که حضرت شیخ شهاب‌الدین^۵ یکی از مریدان حضرت عمده الاقطاب و الاولیاء المحققین، شیخ شهاب السهروردی رحمة الله علیه، بوده‌اند و کار ایشان این بوده که شیری به ایشان داده بودند که همیشه جهة مطبخ شیخ از آن می‌کشیده‌اند (۴) و آن حضرت را چهل نفر شیخ شهاب‌الدین نام مرید بوده‌اند که مجموع صاحب کمال بوده‌اند، سوای دیگر مریدان متفرقه... (محرابی کرمانی: ۱۰۲).

با این اسناد تقریباً می‌توان مطمئن شد که شهاب‌الدین توران‌پشتی در سلک تصوف درآمد و از مریدان و شاگردان شیخ شهاب سهروردی صاحب عوارف/المعارف بوده است، اما معلوم نیست که این گرایش جدی وی به تصوف در چه دوره‌ای از زندگی وی روی داده است.

۷. وفات شیخ

از سال فوت او اخباری به دست آمده که در آن اندک اختلافاتی هست. سبکی در طبقات الشافعیة می‌گوید: «و أظن هَذَا الشَّيْخَ [فضل‌الله التوربشتی] مَاتَ فِي حُدُودِ السُّتَيْنِ وَالسَّمَاءَةِ» (سبکی، ۱۴۱۳ / ۸ : ۳۴۹). دیگر منبع قدیمی مجمل فصیحی است که ذیل حوادث سنه احدى و ستین و ستمائة (۶۶۱ هـ ق) می‌آورد: «وفات شیخ‌الحفاظ، افتخارالمحدثین شیخ شهاب الملة و الدین فضل‌الله [بن حسن] التوران‌پشتی، شارح کتاب المصابیح و مصنف المعتمد فی‌المعتقد و غیرذلک به کرمان...» (فصیح خوافی، ۱۳۸۶، ۲: ۸۱۵). حاجی خلیفه در کشف‌الظنون (۱/۱۹۴۱: ۳۶۶-۳۷۳؛ ۲: ۱۶۹۸، ۱۷۱۹، ۱۷۳۳) ذیل هر کدام از کتاب‌های توران‌پشتی سال‌های ۶۶۱، ۶۰۰ و ۶۸۵ هـ ق را برای وفات او می‌آورد و غزی در دیوان الاسلام (۲/۱۴۱۱: ۱۹) سال وفات شیخ را ۶۶۱ هجری می‌داند. بنابراین، با توجه به اینکه سبکی سال ۶۶۰ هجری را با گمان و تردید بیان کرده و اتفاق نظر در سایر منابع بیشتر بر سال ۶۶۱ است، بایستی سال وفات توران‌پشتی را همین ۶۶۱ بدانیم.

۸. شاگردان شیخ

نام دو تن از شاگردان توران‌پشتی در شدّ‌الانزار آمده است، یکی «الشیخ صدرالدین ابوالمعالی المظفر بن محمد بن المظفر بن روزبهان بن طاهر العمری العدوی» (م ۶۸۸ هـ ق) که نزد شیخ به فراگیری فقه و حدیث پرداخت و دیگری «الامیر اصیل‌الدین عبدالله بن علی بن ابی‌المحاسن بن سعد بن مهدی العلوی المحمدی» (م ۶۸۵ هـ ق)، صاحب کتاب مفاتیح‌الهدی (جنید شیرازی، ۱۳۲۸: ۱۹۰-۳۲۸).

۹. آثار شیخ شهاب‌الدین توران‌پشتی

۹-۱ المیسر فی شرح المصابیح السنة

این کتاب را شیخ به زبان عربی و در شرح کتاب *مصابیح السنة* امام بغوی (۴۳۳-۵۱۶ هـ ق) نوشته است. شیخ تألیف این کتاب را در شیراز و به خواهش دوستانی که در فهم آن مشکل داشتند آغاز کرد و در روز جمعه، ششم صفر سال ۶۶۰ هجری در کرمان به پایان رساند (توران‌پشتی، ۱۴۲۹/۴: ۱۳۶۴).

در مورد *المیسر* به جرأت می‌توان گفت که توران‌پشتی تمام هنر علمی خود را به کار برده است تا بتواند این کتاب را به نیکویی شرح کند. توران‌پشتی در این کتاب به امام بغوی و محدث بودنش بسنده نکرده و هر جا که حدیثی را بر خلاف اجماع یا علم رجال و درایه دیده، سعی کرده است تا ضعف حدیث را بیان کند، هرچند که امام بغوی آن را صحیح شمرده باشد. این کتاب یکی از مهم‌ترین شروحن است که تاکنون بر کتاب *مصابیح السنة* نوشته شده است.^۶

یک نسخه از این کتاب به شماره ۱۰۳۹ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی وجود دارد (درایتی، ۱۳۸۹/۱۰: ۴۲۴). دیگر نسخه‌های موجود از این کتاب در کتابخانه‌های دنیا بدین قرار است: المكتبة المركزية عربستان به شماره ۹۸۸؛ مكتبة كلية الآداب والمخطوطات كويت به شماره ۶۴۸؛ کتابخانه اصفیه هند به شماره ۲۵۶/۳، رقم ۹۷۶-۹۷۷؛ کتابخانه رامبور هند به شماره ۱۲۱/۱ رقم ۴۱۹؛ مكتبة الجامع الكبير يمن به شماره ۴۰۸؛ انستیتوی شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی ازبکستان به شماره ۳۲۷۸؛ کتابخانه چستربیتی ایرلند به شماره ۵۰۳۹؛ معهد المخطوطات العربية قاهره به شماره ۲۹۷ عن تیموریه ۳۳۷ حدیث؛ کتابخانه پرینستون ایالات متحده به شماره ۵۷۲۴؛ مرکز الملك فيصل للبحوث و الدراسات الاسلامية ریاض به شماره ۱۹۸۶- ف و شماره ۵۳۵۶-۵۳۶۰ و شماره ب A/۵۳۶۴-۵۳۶۱ و شماره ۲۷۲۵-۲- ف.^۷

۹-۲. المعتمد فی المعتقد

توران‌پشتی این کتاب را در قالب کلام اشعری و به زبان فارسی و با نثری ساده و استوار در شیراز نوشته است. وی در مورد هدفش از تألیف این کتاب می‌گوید:
و صورت حال آن است که چون رغبت بی‌علمان در طلب شناختن حق و دانستن معتقد برگزیدگان امت، که رسول - صلی الله علیه و سلم - طریق ایشان را در دینداری سواد اعظم خواند، فاتر یافت و همت

علمای زمانه از ارشاد و تنبیه ایشان، که واجب مسلمانی و حق نصیحت است، قاصر و فتنه‌های بی‌اندازه از قبل اهل هوا و اصحاب شبهات و داعیان ضلالت به ضعفای امت محیط دید، در خاطر آمد که معتقدی ساخته شود به پارسی مشتمل بر بیان آنچه در این زمان طالبان حق را به بیان آن حاجت افتد، مقرر بر قانون کتاب و سنت و مؤسس بر قاعده قرن اول که عالمان راسخ و سلف امت‌اند...» (توران‌پشتی، ۱۳۸۸: ۴)

این کتاب در سه باب است: «باب اول در ایمان به خدای عزّ و جلّ؛ باب دوم در ایمان به فرشتگان و کتاب‌ها و پیغمبران؛ باب سیوم در دیگر مسایل اعتقادی بر موجب کتاب و سنت و اجماع امت.» (توران‌پشتی، ۱۳۸۸: ۴)

توران‌پشتی برای اینکه این کتاب را از طرف سلطنت پشتوانه‌ای باشد و تاثیر آن در دل عوام بیشتر افتد، آن را به نام اتابک ابوبکر بن سعد زنگی و پسرش ابوشجاع سعد درآورد. از این رو، این اثر «تحفه مظفری» و «تحفه سلغری» نیز خوانده می‌شود (نفیسی، ۱۳۴۴/۱: ۱۵۳). چنانکه خود در دیباچه‌ی کتابش می‌گوید: «و این تحفه مظفری را نام الْمُعْتَمَدَ فی الْمُعْتَقَد کرده شد...» (توران‌پشتی، ۱۳۸۸: ۶).^۸

۳-۹. تحفة السالکین

این کتاب را در تصوف و به زبان فارسی نوشته است، در سه باب: اعتقادات، معاملات، اخلاق و آداب (حاجی خلیفه، ۱۳۶۶: ۱/۱۹۴۱).

۴-۹. تحفة المرشدین

این کتاب به زبان فارسی و خلاصه‌ی تحفة السالکین است (حاجی خلیفه، ۱۳۶۶: ۱/۱۹۴). نسخه‌ای از این کتاب، که در سال ۹۶۸ هجری در بخارا کتابت شده‌است، به شماره ۷۱۱ در کتابخانه ملی تاجیکستان موجود است (بهرامیان و یوسفاف، ۱۳۸۰/۱: ۱۸). یک نسخه از آن نیز به همراه المعتمد به شماره ۷۲۲۲ در موزه بریتانیا وجود دارد که متعلق به قرن ۱۱/۱۰ هجری است (دانش‌پژوه، ۱۳۴۴/۴: ۶۶۲).

۵-۹. الاربعون حدیثا

که در آن چهل حدیث از پیامبر (ص) را در موضوعات مختلف انتخاب کرده و آورده است. یک نسخه از آن در کتابخانه آیت‌الله مرعشی به شماره ۴۴۱۶/۲ موجود است (درایتی، ۱۳۸۹/۱: ۶۰۴).

۶-۹. مطلب الناسک فی علم المناسک

حاجی خلیفه می‌نویسد که توران‌پشتی این کتاب را در چهل باب نوشته است و در آن مسلکی حدیثی دارد (حاجی خلیفه، ۲/۱۹۴۱: ۱۷۱۹). توران‌پشتی خود نام این کتابش را در المیسر (۱۴۲۹/۲: ۶۰۴) آورده است.

یادداشت‌ها

۱. این نسب را خود توران‌پشتی در کتابش المیسر فی شرح المصاییح السنة (۱۴۲۹: ۱۱۲) آورده است. همچنین این نسب در کتاب دیگرش، المعتمد فی المعتقد، نیز آمده است، با این تفاوت که قبل از توران‌پشتی نسبت «خذری» نیز آمده است.
۲. افشار، ۱۳۴۸: ۲۷۲. برای اطلاعات بیشتر از توران‌پشت نگاه کنید به جامع مفیدی ۱: ۳/۳۰؛ ۶۹۸-۶۹۹؛ و تاریخ جدید یزد، احمد بن حسین بن علی کاتب، ۴۴.
۳. سلسله‌ای که از سال ۶۱۹ هجری تا ۷۰۳ هجری تحت اطاعت مغولان بر سرزمین کرمان حکومت می‌کردند. مؤسس این سلسله براق حاجب بود. ترکان خاتون بانویی عادل، فرهیخته و علم‌دوست بود. در حبیب‌السیر درباره او آمده است: «سرانجام کلیات و جزئیات مهمات را از پیش خود گرفت و در تعمیر ولایت و ترفیه رعیت و تمهید بساط عدل و احسان و تشیید قواعد و اتنان سعی تمام نمود و در افاضه خیرات و اشاعة حسنات و انعام علماء و اکرام فضلاء به مرتبه‌ای اهتمام فرمود که تا غایت عشر آن از هیچ پادشاه دوشوکت به وقوع نیبوسته بود و در ایام اختیار خود خوانق و مدارس و مساجد بنا کرد...» (خواندمیر، ۱۳۳۳/۳: ۲۶۸).
- برای کسب اطلاعات بیشتر از این سلسله و ترکان خاتون نگاه کنید به مقدمه تاریخ شاه‌ی قراختائیان به قلم باستانی پاریزی و همچنین مقاله او در مجله یغما، سال هفتم، شماره ۳، ۱۳۶-۱۴۲.
۴. در بعضی از نسخ به صورت توره‌پشتی آمده که همان توران‌پشتی است.
۵. این شهاب‌الدین با توران‌پشتی اشتباه نشود.
۶. کتاب مصاییح السنة را بسیاری از علما شرح کرده‌اند، از جمله: تحفة الابرار از قاضی بیضاوی (م ۶۸۵ ه. ق) و شرح قاسم بن قطلوبغا الحنفی (م ۸۷۵). برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید: کشف الظنون (حاجی خلیفه، ۲/۱۹۴۱: ۱۶۹۸).
۷. خزانه التراث، فهرس مخطوطات، به دلیل در دسترس نداشتن کتاب از نرم افزار مکتبه الشامله استفاده کردیم.
۸. برای آگاهی بیشتر از سبک نثر این کتاب و نسخ خطی آن نگاه کنید به مقدمه اسماعیل شמושکی بر تصحیح کتاب المعتمد فی المعتقد.

منابع

- تاریخ شاه‌ی قراختائیان، (۲۵۳۵ / ۱۳۵۶). تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- افشار، ایرج (۱۳۴۸). یادگارهای یزد، تهران، انجمن آثار ملی.

بهرامیان، علی و یونس‌اف، عبدالله (۱۳۸۰). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی تاجیکستان، قم، کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی و مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.

توران‌پشتی، شهاب‌الدین (۱۴۲۹ق). کتاب المیسر فی شرح مصابیح‌السنة، تحقیق هنداوی، المملكة العربية السعودية، مكتبة نزار مصطفى ألباز.

————— (۱۳۸۸). المعتمد فی المعتقد، تصحیح اسماعیل شموشکی، پایان‌نامه در دانشگاه تهران (چاپ نشده).

جنید شیرازی، معین‌الدین ابوالقاسم (۱۳۲۸). سدا لآزار فی حط الاوزار عن زوار المزار، تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران، چاپخانه مجلس.

حاجی خلیفه (۱۹۴۱م). كشف الظنون عن أسامی الكتب والفنون، بغداد، مكتبة المثنی.

خزانة التراث، فهرس مخطوطات (بی‌تا). ریاض، مركز الملك فيصل للبحوث والدراسات الاسلامیه. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسین (۱۳۳۳). تاریخ حبیب‌السیر فی أخبار أفراد بشر، تهران کتابخانه خیام.

دانش‌پژوه، محمدتقی، و محمدتقی افشار، ایرج (۱۳۴۴)، نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران، دانشگاه تهران.

درایتی، مصطفی (۱۳۸۹). فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

زرکلی، خیرالدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس (۲۰۰۲م). الأعلام، الطبعة الخامسة عشر، دار العلم للملایین.

سبکی، تاج‌الدین عبدالوهاب (۱۴۱۳ق). طبقات الشافعية الكبرى، تحقیق محمود محمد الطنحی، عبدالفتاح محمد الحلو، الطبعة الثانية، هجر للطباعة والنشر والتوزیع.

سخاوی، شمس‌الدین (بی‌تا). الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، بیروت، منشورات دار مكتبة الحياة. غزی، شمس‌الدین أبوالمعالی (۱۴۱۱ق/۱۹۹۰م). دیوان الإسلام، تحقیق سیدحسن کسروی، بیروت، دار الكتب العلمية.

فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان یزد (۱۳۸۱). سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول. فصیح خوافی (۱۳۸۶). محمل فصیحی، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، چاپ اول، تهران، اساطیر. فضل‌الله بن عبدالله شیرازی (بی‌تا). تاریخ وصاف الحضرة، کتابخانه ابن‌سینا و کتابخانه جعفری تبریزی. قزوینی، أبو حفص سراج‌الدین عمر بن علی بن عمر (۱۴۲۶هـ/۲۰۰۵م). مشیخة القزوینی، تحقیق عامر حسن صبری، الطبعة الأولى، دار البشائر الإسلامية.

کحاله، عمررضا (بی‌تا). معجم المؤلفین، بیروت، مكتبة المثنی، دار إحياء التراث العربی. محرابی کرمانی (بی‌تا). تذكرة الاولیاء یا مزارات کرمان، به اهتمام و سرمایه حسین کوهی کرمانی.

محمد بن أحمد، بهاء‌الدین أبوالبقاء، المعروف بابن‌الضیاء (۱۴۲۴هـ.ق / ۲۰۰۴م). *تاریخ مکه‌المشرفة و المسجد الحرام و المدينة الشریفة و القبر الشریف*، تحقیق علاء إبراهيم، أیمن نصر، بیروت، الطبعة الثانية، دار الکتب العلمیة.

ناصرالدین منشی کرمانی (۱۳۲۸). *سمط‌العلی للحضرة العلیاء*، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران، شرکت سهامی چاپ.

نفیسی، سعید (۱۳۴۴). *تاریخ نظم و نشر در ایران و در زبان فارسی*، تهران، کتابفروشی فروغی.